

## عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی

### مطالعه موردی: زنان روستایی شهرستان اردبیل

وکیل حیدری ساریان<sup>\*۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۱۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲۰

#### چکیده

هدف این مقاله بررسی عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی شهرستان اردبیل می‌باشد. این پژوهش، از لحاظ هدف توسعه‌ای، و از لحاظ ماهیت توصیفی و پیمایشی و نیز از نوع تحلیلی است. در این پژوهش روش گردآوری داده‌ها برای پاسخ‌گویی به سئوالات پژوهش، به دو صورت اسنادی (داده‌های ثانویه) و پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسش‌نامه و مصاحبه بوده است. روایی صوری پرسش‌نامه به وسیله پانل کارشناسان تایید شد. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه انجام گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه آلفای کرونباخ در نرم افزار SPSS، پایایی بخش‌های گوناگون پرسش‌نامه پژوهش ۰/۸۶ / ۰/۹۰ بدست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج روش تحلیل عاملی نشان داد مهم‌ترین عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان در منطقه مورد مطالعه شامل چهار مولفه (تقویت شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی، تقویت سرمایه روان‌شناختی و رضایت‌مندی اجتماعی، توانمندسازی اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی و تقویت زیرساخت فرهنگی و اهتمام به آموزش) است که مقدار واریانس و واریانس جمعی تبیین شده به وسیله این چهار عامل ۷۱/۱۲ می‌باشد. در نهایت، با توجه به تحلیل نتایج پیشنهادها کاربردی ارائه شده است.

**واژه‌های کلیدی:** مطردویت اجتماعی، زنان روستایی، توسعه روستایی، شهرستان اردبیل.

<sup>۱</sup> - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی و عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی.

\*- نویسنده مسئول مقاله: vheidari56@gmail.com

## پیشگفتار

طرد اجتماعی و بریدن از جامعه، همواره و در هر جمعیتی، تهدیدی است که به انواع نابسامانی‌های روانی و اجتماعی منجر می‌گردد. این وضعیت تنها خاص جوامع توسعه نیافته نیست بلکه حتی در جوامع توسعه یافته نیز طرد اجتماعی به مسئله سیاست‌گذاران تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که اتحادیه اروپا بیش از بیست سال است که برنامه‌هایی برای رفع طرد و تقویت ادغام اجتماعی شهروندانش اجرا می‌کند.

در مباحث مرتبط با رفاه و سیاست اجتماعی، ریشه مفهوم طرد اجتماعی را می‌توان با اندیشه کارل مارکس و ماکس وبر پی گرفت (Burchardt and et al, 2002). البته، پیش از آن‌ها آدام اسمیت و در زمان‌های گذشته، ارسطو نیز مفاهیمی نزدیک به طرد اجتماعی را پیش کشیدند و هر دو متفکر، طرد را برخاسته از فقدان انتخاب فردی و یا عدم وجود آزادی برای دست زدن به انتخاب دانستند (Pearson, 2002) و نیز، رن لینور در سال‌های ۱۹۷۰، این اصطلاح را برای اشاره به افرادی (نظیر فقرا، معلولان، کودکان آزار دیده، معتادان و ...) که به وسیله دولت موجود و شبکه‌های اجتماعی رانده شده بودند استفاده کرد (Gordon, 2007) افزون بر این، در سال ۱۹۸۰ در پی شوک نفتی، این واژه به جوانان و میان‌سالانی اشاره داشت که کارگرانی غیرماهر بودند و صنعتی شدن مجدد، آن‌ها را پس زده بود.

تاکنون تعاریف متعددی از واژه طرد اجتماعی شده است که واحد طرد اجتماعی اروپا<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، طرد اجتماعی را این گونه تعریف کرده است: «طرد، واژه‌ای جامع برای توصیف حالت‌هایی است که در آن افراد یا حوزه‌های گوناگون با ترکیبی از مشکلات به هم پیوسته رنج می‌برند مانند بیکاری، فقدان مهارت، درآمد کم، خانواده فقیر، خانواده از هم‌پاشیده، بیماری و زندگی در محیطی با جرایم بالا». به باور، آبرامز و همکاران، طرد اجتماعی می‌تواند به معنای محرومیت تدریجی و مستمر افراد (به صورت مادی و نمادین) از مشارکت کامل در اجتماع، منابع تولیدی، نظام عرضه و بهره‌برداری بمنظور گذران و سازماندهی زندگی و مشارکت در توسعه (بهتر) آینده باشد (Abrams and et al, 2007). در کل در نیمه دوم قرن بیستم مفهوم طرد اجتماعی متأثر از اقتصاد سیاسی کلاسیک با شاخص‌های مالی، بیکاری و درآمد (Atkinson and Hills, 1998)، فقر چند بعدی و محرومیت نسبی (Townsend, 1979)، تعریف می‌شد و تنها در دو دهه اخیر است که با تغییرات بنیادی در تعریف توسعه و توسعه انسانی، طرد اجتماعی در رابطه با فقر قابلیت، فقدان آزادی و انتخاب (Sen, 2002)، منابع و حقوق (Gordon and et al, 2007)، مشارکت (Kabeer, 2000)، به حاشیه رانده شدن اجتماعی (فیتز و پتریک، ۱۳۸۵)، قدرت (Fischer, 2008)، و فرصت و فاصله‌گیری از جامعه

<sup>1</sup> - Social Exclusion Unit

و به عنوان فقر مدرن (Hortulanus and et al, 2006) تعریف می‌شود و نیز با تامل در تعاریف بالا چنین برداشت می‌شود که معنای نهفته در تعاریف یاد شده مشارکت نکردن افراد در فعالیت‌های توسعه‌ای جوامع است که از آن به طرد اجتماعی تعبیر می‌شود.

بررسی ادبیات جامعه‌شناسی نشان می‌دهد طرد اجتماعی پدیده‌ای چندبعدی است و فراتر از ابعاد مادی و کمبودهای اقتصادی بر دامنه متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی فرهنگی نیز دلالت دارد. از نظر اجتماعی و فرهنگی، احساس طرد بیش‌تر با عدم رضایت و عدم تعلق فرد به اجتماعات هویت بخش (محل‌های، قومی و مذهبی) ارتباط دارد. واژه طرد به این معناست که کسی یا چیزی به وسیله دیگری رانده شده است (Floteen, 2006). به بیان دیگر، طرد اجتماعی مفهوم چندبعدی است که جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را پوشش می‌دهد. طرد اجتماعی به معنای فقدان مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق انسانی و مدنی تعریف شده است (Ghafari, 2006) و افزون بر این، مفهوم طرد اجتماعی توجه ما را به طیفی گسترده از عواملی جلب می‌کند که افراد و گروهها را از داشتن فرصت‌هایی که پیش‌روی بیش‌تر جمعیت است، باز می‌دارد. طرد اجتماعی می‌تواند چندین شکل داشته باشد. برای مثال، اجتماعات روستایی دور افتاده‌ای که به خدمات و فرصت‌های زیادی دسترسی ندارند یا محله‌های فقیر درون‌شهری که نرخ جرم در آن‌ها بالاست و نیز خانه‌های زیر سطح استاندارد، ممکن است نمونه‌هایی از طرد اجتماعی باشند (Gidenz, 2009) و نیز واکاوی اسناد و مدارک گویای این واقعیت است که در مباحث طرد اجتماعی، دو رویکرد فکری وجود دارد: رویکرد اول، تأکید بیش‌تری بر وجه توزیعی طرد دارد و به دسترسی ناکافی به خدمات عمومی و اشتغال می‌پردازد (Firozabadi, 2016) رویکرد دوم در درون سنت فکری فرانسه جای دارد و تأکید بر وجه رابطه‌ای و فرهنگی طرد، نظیر ضعف شبکه‌های حمایتی در برآوردن انتظارات، وجود تصورات قالبی و تحقیر فرهنگی، سست شدن همبستگی و انزوا دارد (Todman, 2004). با نگاه به موضوع پژوهش و فراگیری آن؛ تلفیقی از دو رویکرد مزبور در تبیین آن راهگشا خواهد بود و به بیان دیگر، به دلیل نزدیک بودن محتوای مقاله به هر دو رویکرد؛ با کمک از هر دو رویکرد به صورت تلفیقی به طرد اجتماعی زنان روستایی پرداخته شده است.

مطالعه ادبیات جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که طرد اجتماعی دارای یک سری وجوه متمایز و ویژگی‌هایی می‌باشد که از آن به طرد اجتماعی به مثابه پدیده‌ای چند بعدی، طرد اجتماعی به مثابه فرآیند پویا، طرد اجتماعی به مثابه پدیده رابطه‌ای، طرد اجتماعی به مثابه پدیده نسبی و جنبه عاملیت در طرد اجتماعی تعبیر می‌شود. در مورد طرد اجتماعی به مثابه پدیده چند بعدی؛ فلاتن، بر این باور است طرد اجتماعی فراتر از ابعاد مادی و کمبودهای اقتصادی بر دامنه متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دلالت دارد (Floteen, 2006). به نظر راجرز، طرد اجتماعی به مثابه فرآیند پویا ضمن این که وضعیت مطرودین را بازتاب می‌دهد، در پی کشف

مکانیزمها، روابط اجتماعی و نهادهایی است که به طرد منجر می‌شود (Rodgers and et al, 1995). درباره جنبه عاملیت طرد اجتماعی به زعم سانو، طرد دلالت بر عمل دارد. به بیان دیگر، افراد به واسطه شرایط و تصمیم‌هایی بیرون از قدرت کنترل آن‌ها طرد می‌شوند (Sano, 2008). به باور سن، زمانی که طرد، دست‌آورد کنش عامدانه عاملان بیرونی باشد، طرد از نوع فعال خواهد بود، مانند اعمال تبعیض یا وضع قانون علیه حقوق و منافع گروهی خاص. هم‌چنین، بررسی متون حاکی از این مدعاست که نظریات چندی پیرامون تبیین طرد اجتماعی طرح شده است و در این ارتباط، گرب با بهره‌گیری از نظریه‌های وبر، دورکیم و مرتون و مارشال به گروه‌هایی اشاره می‌کند که می‌توانند از راه انسداد اجتماعی برتری‌شان را به هزینه آن‌هایی که متفاوت با اعضای آن‌ها هستند، تامین و حفظ کنند (Sen, 2002). ایده اصلی رویکردهای فرهنگی مثل نظریه طبقه پایین چاپل و مون، این است طرد باید در ایستارها و رفتارها و سبک زندگی فرد طرد شده ریشه‌یابی شود (Chappel, M. and Moon, 2008). برعکس، طرفداران رویکردهای ساختاری، بر عوامل ساختاری مثل بازار کار که سبب محرومیت گروه‌های ویژه از امتیازهای متوسط یک جامعه می‌شود، تأکید دارند (Mergler, 2007). سیلور، نیز طرد اجتماعی را از هم گسیختگی پیوندهای اجتماعی میان فرد و جامعه دانسته است. از نظر سیلور تعریف و علت طرد اجتماعی و به تبع آن، رویکردها و مقیاس‌ها برای جلوگیری و یا خنثی کردن طرد اجتماعی، به وسیله فرهنگ سیاسی غالب تعیین می‌شود. گونه‌شناسی سه گانه سیلور طرد اجتماعی شامل همبستگی، تخصصی کردن و انحصار، بر مبنای رویکردهای تئوریک، ایدئولوژی‌های سیاسی و مباحث ملی گوناگون قرار دارد (Silver, 2008). پارادایم انسجام یا همبستگی، که در فرانسه رشد کرده و با نظریه کارکردگرایی دورکیم در ارتباط است، عامل طرد را گسستگی پیوندهای اجتماعی مکانیکی و ارگانیکی می‌داند، پیوندهایی که نظامی از حقوق و وظایف را شکل داده و به جامعه نظم می‌بخشند. طرد در این دیدگاه، نقطه مقابل وابستگی جمعی است. پارادایم تخصصی شدن که مبتنی بر فردگرایی (مسئولیت فردی) و محصول سنت لیبرالیسم است، طرد را نتیجه تخصص‌گرایی برآمده از تفاوت‌های اجتماعی، تقسیم کار اقتصادی و جدایی حوزه‌ها می‌داند که بیش‌تر در سایه شکست بازار، تبعیض و تحقق نیافتن حقوق افراد رخ می‌دهد (Ghafari, 2006). پارادایم انحصار که با فلسفه سیاسی سوسیال دموکراسی و رویکرد جامعه‌شناختی تضاد (ملهم از نظرات مارکس و وبر) در ارتباط است، خاصه از نظریه وبر در مورد انسداد اجتماعی بهره می‌گیرد و طرد را در چارچوب انحصاری شدن منابع به سود برخی گروه‌ها توضیح می‌دهد. طرد اجتماعی در این دیدگاه، نتیجه برخورد و اثرگذاری متقابل طبقه، موقعیت‌ها (پایگاه) و قدرت سیاسی در یک ساختار نابرابر است که در راستای منافع طردناشدگان یا خودی‌ها و به ضرر غیرخودی‌ها رخ می‌دهد (North and Syrett, 2012). رایس و همکاران، طرد اجتماعی را شامل پنج بعد طرد از منابع مادی، طرد از روابط اجتماعی، طرد از فعالیت‌های مدنی،

طرد از خدمات اساسی و طرد همسایگی که هر بعد دارای اجزای چندگانه‌ای است می‌دانند (Rayce and et al, 2012). شانکار و همکاران، از نظریه پردازان فمینیستی بر این باور هستند که مردان و زنان به شکل‌های بنیادی با یکدیگر تفاوت دارند و در اندیشیدن، احساس، ارتباط با دیگران و جهان اجتماعی به گونه‌ای متفاوت عمل می‌کنند (Shankar and et al, 2015).

از مطالب بالا چنین برداشت می‌شود، طرد اجتماعی ابعاد چندگانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره دارد که با وجود درهم تنیدگی‌شان، هر کدام مؤلفه‌های خاص خود را دارند. عوامل اقتصادی یکی از جنبه‌های کلیدی طرد اجتماعی هستند. عوامل اقتصادی نه تنها به صورت پدیده فقر و فقدان درآمد کافی تعریف می‌شوند بلکه اغلب طرد از بازار کار را نیز در برمی‌گیرند. این مسئله به نوبه خود عنصر کلیدی طرد اجتماعی هستند. (Smith, 2000). در بعد اجتماعی توجه به کم و کیف ارتباطات اجتماعی اهمیت بسیاری دارد (Ghafari, 2006) در بعد سیاسی، نداشتن توانایی افراد در مشارکت یا تصمیم‌گیری‌های سیاسی مؤثر در زندگی مورد توجه است. به باور گیدنز، با عنوان (طرد فعالانه) افراد را از فرایندهای رسمی یا شرکت در انتخابات محروم کنند. در واقع، انواع گوناگون ساختارهای سیاسی در جامعه منجر به بی‌قدرتی، احساس ناامیدی و اختلال اجتماعی می‌شود. بعد فضایی طرد اجتماعی نیز بیان‌گر شرایط نامناسب مناطق محل سکونت افراد محروم است. برخی مناطق صرف‌نظر از ویژگی افرادی که در آن سکونت دارند، به عنوان مناطق محروم شناخته می‌شوند و در نهایت، عاملی مؤثر در ایجاد فرایندهای انحصاری آینده (مانند عدم دسترسی به خدمات و ...) هستند (Gidenz, 2015).

در مجموع، رویکردهای نظری مرتبط با طرد اجتماعی در دو دسته عمده جای می‌گیرند: دسته نخست را می‌توان کارکردگرا (دورکیمی) خواند که طرد را محصول ادغام نشدن فرد در گروه گسترده‌تر و رانده شدن فرد یا گروه به بیرون از جریان اصلی زندگی می‌دانند. دیدگاه‌های ملهم از این رویکرد، از این جهت که بر نقش نظام‌ها و خرده نظام‌های کارکردی در ادغام افراد تأکید دارند، به پارادایم‌های همبستگی و تخصصی شدن (مطرح شده به وسیله سیلور) و گفت‌مان‌های بازتوزیع‌گرا و ادغام‌گرا (مدنظر لویتاس) نزدیک‌تر هستند. دسته دوم از رویکردهای نظری که از نظرات مارکس و وبر و نیز فوکو و پارکین تأثیر پذیرفته‌اند، مطرودان را افرادی درون ساخت اجتماعی می‌دانند که به واسطه ادغام در روابط نابرابر قدرت طرد شده‌اند. پارادایم انحصار (سیلور)، نزدیک به این رویکرد است. در نهایت، تاکنون مطالعات چندی پیرامون طرد شدن اجتماعی زنان روستایی صورت گرفته که در زیر به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

یافته‌های پژوهش فیروز آبادی و همکاران (۱۳۹۵)، با عنوان «بررسی وضعیت طرد اجتماعی زنان روستایی» نشان داد که زنان روستایی گاه به صورت اجباری و گاه به طور خودخواسته از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و حضور در جامعه طرد گشته‌اند. «فقر درآمدی»، «طلاق» و

«رفتارهای انحرافی (دزدی)» موجب طرد اجتماعی زنان روستایی گردیده و «بیماری و معلولیت»، «کم‌رویی» و «خودسوزی»، زنان را به صورت خودخواسته با پدیده طرد اجتماعی مواجه کرده است. نتایج مطالعات فیروز آبادی و صادقی (۱۳۸۹)، با عنوان «مطالعه ابعاد طرد اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار در رابطه با وضعیت اشتغال و اقامت» حاکی از آن است که زنان فقیر، از نظر حمایتی از شبکه درون گروهی قوی‌تری برخوردارند و در فعالیتهای اجتماعی غیررسمی، مشارکتی فعال‌تر نسبت به هم‌تایان مهاجر خود دارند. هم‌چنین، زنان شاغل نسبت به زنان غیرشاغل، از شبکه حمایتی بین‌گروهی قوی‌تر و ناهمگون‌تری برخوردارند و فعالیت اقتصادی این دسته از زنان، شعاع حمایتی گسترده‌تر و منابع حمایتی بیش‌تر را برای آن‌ها فراهم کرده است. نارایان و همکاران، بنیان‌های طرد اجتماعی زنان روستایی را فقدان پول و قدرت، رفتارهای خلاف هنجارهای جامعه، بیماری و ناتوانی فیزیکی و طرد جنسیتی مطرح کردند (Narayan and et al, 2000). فرضی زاده (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد» به این نتیجه رسید که بین نگاهها و حرف‌های طعنه آمیز، تحقیرآمیز و ترحم‌سایرین، گسترش شایعات، تبعیض، وابستگی، شرمساری، سرزنش، احساس انزوا، ضعف روابط اجتماعی با افرادی خارج از دایره خویشاوندان، عدم حضور در اجتماع بمنظور شرکت در مراسم یا اشتغال، یادگیری مهارت و گذران اوقات فراغت با طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد رابطه وجود دارد. وحید یگانه (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت طرد اجتماعی زنان سرپرست خانوار» به این نتیجه رسد که بین سن و حوادث مطرودساز تجربه شده به وسیله زنان سرپرست خانوار، شغل و سلامت عمومی زنان سرپرست خانوار و طرد اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. او برین و پنا، در یافته‌های میدانی خود به این نتیجه رسیدند که هر چقدر زمینه و بستر اشتغال‌زایی زنان روستایی فراهم شود و زنان روستایی از ثبات شغلی و امنیت شغلی برخوردار باشند به همان مقدار از دور باطل فقر فاصله گرفته و به بطن جامعه کشیده می‌شوند. هم‌چنان یافته‌های این دو اندیشمند حاکی از آن است که آموزش، دارایی‌های مادی، وضعیت مسکن، دسترسی به خدمات بهداشتی و اوقات و فراغت مناسب از متغیرهای تاثیرگذار در کاهش طرد اجتماعی زنان روستایی بشمار می‌رود (O'Brien and Penna, 2010). نورث و سیرت، در یافته‌های خود در راستای کاهش طرد اجتماعی به فقرزدایی زنان روستایی اشاره می‌کنند و افزون بر آن، پیشنهادهایی را به دولت‌ها در راستای فراهم کردن تسهیلات آموزشی، تسهیلات اعتباری و منابع متنوع حمایتی ارائه می‌کنند (North and Syrett, 2012). به باور لویتاس، بی خانمانی، آسیب‌پذیری فردی، عدم دسترسی به خدمات عمومی، مهارت‌های پایه نازل و مشارکت اجتماعی پایین از متغیرهای تاثیرگذار در طرد اجتماعی زنان روستایی است (Levitas, 2008). نتایج پژوهش به‌اقل، نشان داد که متغیرهای عدم تبعیض جنسیتی، حمایت درون‌گروهی، تقویت هم‌نوایی اجتماعی و توانمندسازی روان‌شناختی

تاثیر معناداری بر کاهش طرد اجتماعی زنان روستایی داشته است (Behaghel, 2013). به باور اسمیت، ادغام اجتماعی، آموزش مستمر، انسجام خانوادگی و فضای مناسب اخلاق عمومی از متغیرهای تاثیرگذار بر کاهش طرد اجتماعی زنان روستایی است (Smith, 2013).

بر اساس آن چه گفته شد و با توجه به این که بخش عظیمی از جمعیت نواحی روستایی را در شهرستان اردبیل زنان روستایی به تعداد (۲۳۶۰۰۸) تشکیل می‌دهند (Faraji, 2016) و لذا، این زنان می‌توانند به عنوان یک عامل مهم در نیل به اهداف توسعه‌ای روستایی مطرح شوند و زنان در جامعه روستایی شهرستان اردبیل از امکانات کم‌تری از لحاظ مقدار سرمایه، اعتبار و قدرت برخوردارند که این امر به طرد اجتماعی آنان می‌انجامد (Nemati, 2012).

هم‌چنین، طی چند سال گذشته، در نواحی روستایی شهرستان اردبیل یک سری اتفاقات و مسایلی همچون نابرابری دسترسی به منابع، حمایت‌های عاطفی، ابزاری و داده‌ای پایین، دسترسی نداشتن به فرصت‌های شغلی، دسترسی نداشتن به تسهیلات اعتباری، روابط اجتماعی نازل، مشاکت اندک در فعالیت‌های اجتماعی (Heidari Sarban, 2017) عدم احساس تعلق، عدم رضایت‌مندی از امکانات، مشکل در خود اظهاری، نبود حمایت درون گروهی (Faraji, 2016) تبعیض فراوان، فروپاشی خانواده، بی‌سوادی و کم سوادی زنان روستایی، وجود تبعیض‌های جنسیتی، قیود اجتماعی و غیره در میان زنان روستایی رخ داده و آن‌ها را از جامعه روستایی طرد و منزوی کرده است که با تداوم و استمرار می‌تواند توسعه پایدار مناطق روستایی را با چالش‌های جدی روبه‌رو سازد (Heidari Sarban, 2013) از این رو، این پژوهش با هدف بررسی عوامل کاهش مطردویت اجتماعی زنان روستایی شهرستان اردبیل صورت گرفته است و در این ارتباط ابتدا مبانی نظری طرد شدن اجتماعی مورد بحث قرار گرفته سپس با ارایه متغیرهای پژوهش عوامل کاهش مطردویت اجتماعی زنان در مناطق روستایی شهرستان اردبیل بررسی شده است.

## روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، از لحاظ هدف توسعه‌ای، و از لحاظ ماهیت توصیفی و پیمایشی و نیز از نوع تحلیلی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل زنان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل می‌باشد ( $N=31204$ )، که از این میان تعداد ۳۸۰ نفر و بر اساس فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. جهت برآورد مقدار نمونه ابتدا تعداد روستای نمونه پژوهش انتخاب شد که در این پژوهش، انتخاب روستاهای نمونه پژوهش، با در نظر گرفتن تعداد کل روستاها، تعداد جمعیت، دوری و نزدیکی نسبت به شهر، شاخص وضعیت ارتفاع (کوهستانی، جلگه‌ای، جلگه‌ای - کوهستانی) و قرارگیری روستا در کنار جاده اصلی و یا دور از جاده اصلی، تعداد روستاهای نمونه پژوهش بر اساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ۲۰ روستا تعیین

شدند و داده‌های خام برای اندازه‌گیری شاخص‌ها از راه پرسش‌نامه گردآوری شد. روایی صوری پرسش‌نامه به وسیله پانل متخصصان مورد تایید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه انجام گرفت و با داده‌های بدست آمده و استفاده از فرمول ویژه آلفای کرونباخ در نرم افزار SPSS، پایایی بخش‌های گوناگون پرسش‌نامه پژوهش ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ بدست آمد. هم‌چنین، از راه ابزار پرسش‌نامه، مولفه‌های طرد اجتماعی به کمک ۶۲ سؤال مورد سنجش قرار گرفت و برای امتیازدهی آن از طیف پنج قسمتی لیکرت استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد. در بخش آمار توصیفی با استفاده از آماره‌هایی نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شد و در بخش استنباطی مهم‌ترین روش آماری به کار رفته در این پژوهش تحلیل عاملی است. تحلیل عاملی تحلیل آماری از روش‌های چند متغیره است که در آن متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نیست زیرا این روش، از شیوه‌های هم وابسته است که در آن‌ها همه متغیرها نسبت به هم وابسته شمرده می‌شود و تلاش می‌شود متغیرهای بسیاری در چند عامل خلاصه شود.

### یافته‌های پژوهش

**نتایج توصیفی پژوهش؛** (اولویت‌بندی عوامل طرد شدن اجتماعی از دیدگاه زنان روستایی) بمنظور تعیین مهم‌ترین عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی از دیدگاه زنان روستایی شهرستان اردبیل، میانگین رتبه‌ای نظر زنان روستایی روستایی منطقه مورد مطالعه محاسبه و اولویت‌بندی شد. برای اولویت‌بندی از ضریب تغییرات (CV) استفاده شده است که یک شاخص نسبی است و امکان مقایسه متغیرهای مختلف را فراهم می‌آورد. همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، تقویت امکانات و زیرساخت‌های شغلی زنان، تقویت سرمایه روان‌شناختی، عدم تبعیض جنسیتی و تقویت شبکه‌های بین گروهی جزو مهم‌ترین عوامل اولویت‌بندی شده است.



## جدول ۱ - اولویت‌بندی عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی از دیدگاه زنان روستایی.

نمره	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	تقویت امکانات و زیرساخت‌های شغلی زنان	۸/۲۲	۰/۷۲	۶۶/۹
۲	تقویت سرمایه‌روان شناختی	۷/۹۸	۰/۸۵	۵۸/۶۶
۳	نبود تبعیض جنسیتی	۷/۷۵	۰/۶۸	۷۷/۷
۴	تقویت شبکه‌های پیوند بین گروهی	۶/۶۷	۰/۳۷	۲۷/۸
۵	مبارزه با سواد و کم سواد زنان روستایی	۶/۵۴	۰/۴۹	۴۵/۶
۶	حمایت درون گروهی	۶/۳۵	۰/۵۵	۴۹/۸
۷	مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	۶/۱۲	۰/۸۵	۶۱/۱
۸	تقویت اعتماد به نفس	۵/۸۹	۰/۴۳	۵۵/۹
۹	دسترسی به تسهیلات اعتباری	۵/۷۷	۰/۶۵	۲۶/۹
۱۰	احساس تعلق اجتماعی	۵/۶۴	۰/۳۳	۸۲/۷
۱۱	بهبود وضعیت مسکن	۵/۵۷	۰/۳۱	۸۶/۸
۱۲	احساس عدالت اجتماعی	۵/۴۶	۱/۳۲	۵۸/۴
۱۳	دسترسی به منابع تحصیلی	۵/۳۷	۰/۸۶	۸۳
۱۴	فضای مناسب اخلاق عمومی	۵/۲۵	۰/۲۲	۸۵/۹
۱۵	روابط اجتماعی مناسب	۵/۱۴	۰/۲۷	۱۱
۱۶	اهتمام به مهارت‌افزایی	۴/۸۷	۰/۹۳	۷۳/۹
۱۷	تقویت هم‌نوایی اجتماعی	۴/۷۵	۱/۰۱	۷۵/۹
۱۸	شکل‌گیری کار مطلوب	۴/۶۷	۰/۹۶	۵۲/۷
۱۹	تقویت انسجام خانوادگی	۴/۵۲	۰/۹۰	۱۲/۹
۲۰	مقدار دسترسی به خدمات اجتماعی	۴/۴۲	۱/۱۵	۵۶/۶
۲۱	تقویت اثربخشی اجتماعی	۴/۳۴	۱/۰۶	۷۹
۲۲	توانمندسازی روان‌شناختی	۴/۲۴	۰/۴۷	۳۶
۲۳	تقویت قیود اجتماعی	۴/۱۲	۰/۶۷	۴۱/۳
۲۴	کیفیت زندگی زنان روستایی	۳/۹۷	۱/۳۶	۹۹/۴۵
۲۵	رضایت‌مندی اجتماعی	۳/۸۵	۱/۱۸	۳۷/۳
۲۶	آموزش مداوم و مستمر	۳/۶۴	۰/۳۶	۲۶/۱
۲۷	اهتمام به رفع ناملازمات روحی و روانی زنان	۳/۵۲	۰/۲۸	۵۱/۳
۲۸	نداشتن محدودیت‌های فرهنگی و نبود نظام مردسالاری	۳/۳۴	۰/۷۰	۴۲/۳۴
۲۹	حاکمیت فضای نشاط و امیدواری	۳/۲۳	۰/۶۳	۳۴
۳۰	تقویت خودارزشمندی	۲/۹۶	۰/۷۵	۸۱/۲۵
۳۱	تسهیل ادغام اجتماعی	۲/۶۷	۰/۹۱	۳۲/۴۹
۳۲	عضویت در تشکل‌های مدنی	۲/۲۵	۰/۴۵	۷۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵.

### نتایج استنباطی

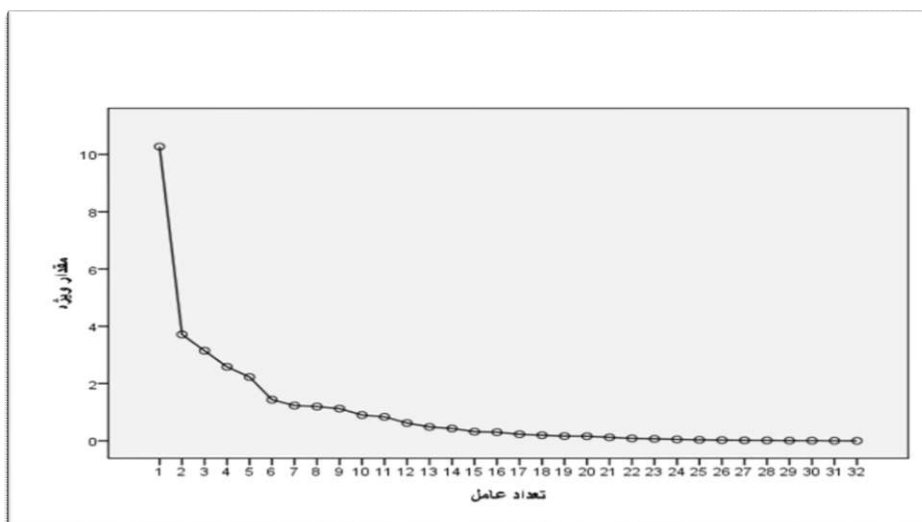
برای تعیین مهم‌ترین عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی شهرستان اردبیل، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. محاسبات انجام شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که برای تعیین انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی از آزمون KMO و بارتلت استفاده شد و در این بخش مقدار KMO برابر ۰/۵۲۴ و نیز آماره بارتلت برای تعیین عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه نیز برابر با ۱/۵۱۲ به دست آمد که در سطح یک ۰/۰۰۰ معنی‌دار می‌باشد. بنابراین، داده‌های موجود برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شدند.

جدول ۲- مقدار KMO و آزمون بارتلت.

Sig	Bartlet Test	KMO	تحلیل عاملی
۰/۰۰۰	۱/۵۱۲	۰/۵۲۴	عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی

مآخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

بر اساس شکل ۱ برای تعیین عوامل از نمودار سنگریزه‌ای مقدار ویژه و درصد واریانس استفاده شد. بر این اساس، ۴ عامل شناسایی شدند که در مجموع (۷۱/۱۲) درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.



شکل ۱- نمودار سنگریزه‌ای برای تعیین تعداد عامل‌ها، ۱۳۹۵.

همچنین، همان گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، در این پژوهش، با توجه به ملاک کیسر، ۴ عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک برای عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه استخراج شد. پس از چرخش عاملی به روش وریماکس، متغیرهای مربوط به عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی از دیدگاه زنان روستایی در ۴ عامل طبقه‌بندی شدند.

### جدول ۳- عوامل استخراج شده با مقادیر ویژه و درصد واریانس پیش از چرخش.

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
عامل نخست	۱۳/۴۲	۴۰/۶۸	۴۰/۶۸
عامل دوم	۳/۷۹	۱۱/۵۱	۵۲/۲
عامل سوم	۳/۶۲	۱۰/۹۷	۶۳/۱۷
عامل چهارم	۲/۶۲	۷/۹۵	۷۱/۱۲

مآخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵.

### چرخش عامل‌ها و نام‌گذاری آن‌ها (تحلیل عاملی عوامل کاهش طرد شدگی اجتماعی زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه)

همان گونه که گفته شد، در این پژوهش برای تسهیل در تفسیر عامل‌ها و ساده کردن ساختار آن‌ها از چرخش عاملی از نوع وریماکس استفاده شده است. جدول ۴ عامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه و درصد واریانس را بعد از چرخش نشان می‌دهد. همان گونه که ملاحظه می‌شود، عامل نخست بیشترین سهم (۳۷/۲۲ درصد) و عامل چهارم کم‌ترین سهم (۹/۷۸ درصد) را در تبیین واریانس کل متغیرها دارا می‌باشد.

### جدول ۴- عوامل استخراج شده با مقادیر ویژه و درصد واریانس پس از چرخش.

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
عامل اول	۱۲/۲۸	۳۷/۲۲	۳۷/۲۲
عامل دوم	۴/۲	۱۲/۷۴	۴۹/۹۷
عامل سوم	۳/۷۵	۱۱/۳۷	۶۱/۳۴
عامل چهارم	۳/۲۲	۹/۸۷	۷۱/۱۲

مآخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵.

همچنین، برای تعیین سطح معنی‌داری و بیان نقش هر متغیر در عامل مربوط، در این پژوهش متغیرهایی که بار عاملی بیش از ۰/۴ داشتند، مدنظر قرار گرفتند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد

که تمام متغیرهای وارد شده، دارای بار عاملی بیش‌تر از  $0/4$  بوده‌اند. در نهایت، بر اساس نتایج جدول ۵، متغیرهایی که در هر یک از چهار عامل یاد شده قرار می‌گیرند، عبارتند از:

**عامل نخست:** عدم تبعیض جنسیتی، تقویت شبکه‌های پیوند بین‌گروهی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، احساس عدالت اجتماعی، روابط اجتماعی مناسب، تقویت هم‌نوایی اجتماعی، تسهیل ادغام اجتماعی، مقدار دسترسی به خدمات اجتماعی و تقویت خودارزشمندی در این عامل جای می‌گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تاثیرگذار، عامل نخست با عنوان عامل « تقویت شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی » نامیده می‌شود. که این عامل با مقدار ویژه  $(12/28)$ ، در مجموع  $(37/22)$  درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

**عامل دوم:** تقویت سرمایه روان‌شناختی، تقویت اعتماد به نفس، بهبود وضعیت مسکن، تقویت اثربخشی اجتماعی، توانمندسازی روان‌شناختی، حاکمیت فضای نشاط و امیدواری، رضایت‌مندی اجتماعی و اهتمام به رفع ناملایمات روحی و روانی در این عامل جای می‌گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تاثیرگذار، عامل دوم با عنوان عامل « تقویت سرمایه روان‌شناختی و رضایت‌مندی اجتماعی » نامیده می‌شود که با مقدار ویژه  $(4/2)$ ، در مجموع  $(12/74)$  درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

**عامل سوم:** تقویت امکانات و زیرساخت‌های شغلی زنان، تقویت قیود اجتماعی، دسترسی به تسهیلات اعتباری، شکل‌گیری کار مطلوب، کیفیت زندگی، عضویت در تشکل‌های مدنی و مبارزه با بی‌سوادی و کم‌سوادی زنان روستایی در این عامل جای می‌گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تاثیرگذار، عامل سوم با عنوان عامل « توانمندسازی اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی » نامیده می‌شود. که با مقدار ویژه  $(3/75)$ ، در مجموع  $(11/37)$  درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

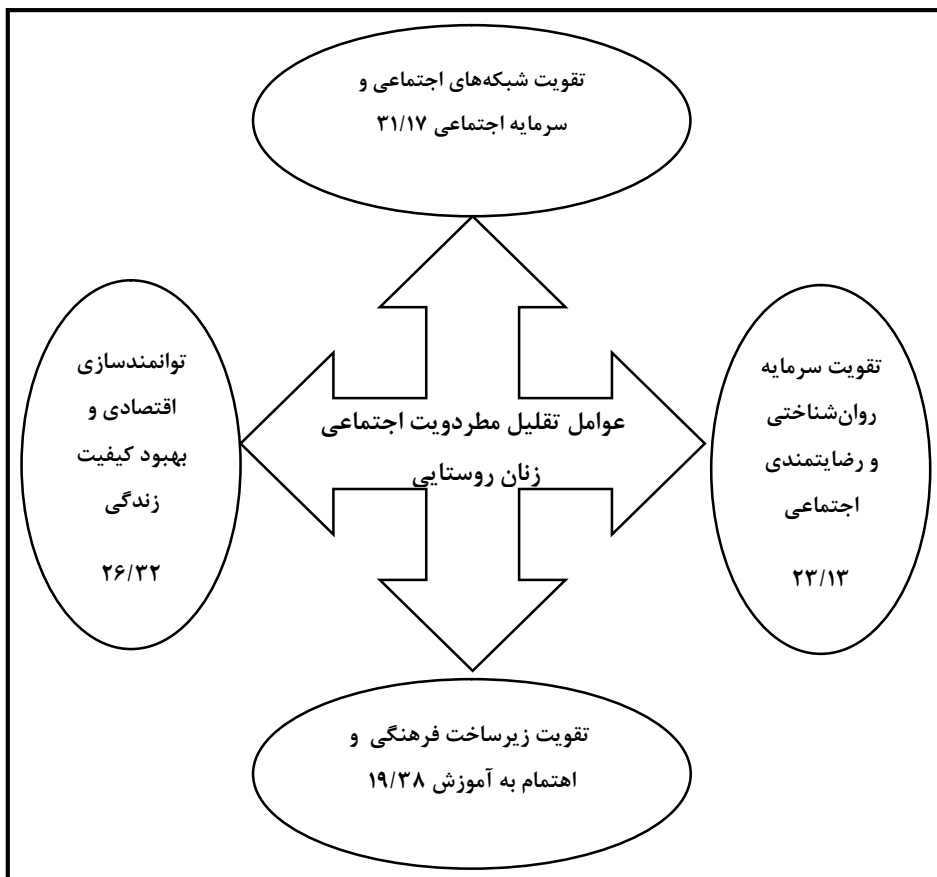
**عامل چهارم:** دسترسی به منابع تحصیلی، فضای مناسب اخلاق عمومی، اهتمام به مهارت‌افزایی، تقویت انسجام خانوادگی، آموزش مداوم و مستمر و نبود محدودیت‌های فرهنگی و نبود نظام مردسالاری در این عامل جای می‌گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تاثیرگذار، عامل چهارم با عنوان عامل « تقویت زیرساخت فرهنگی و اهتمام به آموزش زنان » نامیده می‌شود. این عامل با مقدار ویژه  $(3/22)$ ، در مجموع  $(9/78)$  درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

## جدول ۵- متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و بار عاملی بدست آمده از ماتریس دوران یافته.

نام عامل	متغیرها	بار عاملی
تقویت شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی	عدم تبعیض جنسیتی	۰/۹۱
	تقویت شبکه‌های پیوند بین گروهی	۰/۹۲
	مشارکت در فعالیتهای اجتماعی	۰/۸۵
	احساس تعلق اجتماعی	۰/۸۷
	احساس عدالت اجتماعی	۰/۸۷
	روابط اجتماعی مناسب	۰/۶۵
	تقویت هم‌نوایی اجتماعی	۰/۸۷
	تسهیل ادغام اجتماعی	۰/۸۵
	مقدار دسترسی به خدمات اجتماعی	۰/۸۲
	تقویت خودارزشمندی	۰/۶۵
تقویت سرمایه روان‌شناختی و رضایت‌مندی اجتماعی	تقویت سرمایه روان‌شناختی	۰/۶۴
	تقویت اعتماد به نفس	۰/۶۳
	بهبود وضعیت مسکن	۰/۶۹
	تقویت اثربخشی اجتماعی	۰/۷۱
	توانمندسازی روان‌شناختی	۰/۷۹
	حاکمیت فضای نشاط و امیدواری	۰/۸۹
	رضایت‌مندی اجتماعی	۰/۷۷
	اهتمام به رفع ناملايمات روحی و روانی	۰/۸۳
	تقویت امکانات و زیرساخت‌های شغلی زنان	۰/۹۷
	تقویت قیود اجتماعی	۰/۷۸
توانمندسازی اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی	دسترسی به تسهیلات اعتباری	۰/۷۱
	شکل‌گیری کار مطلوب	۰/۷۰
	کیفیت زندگی	۰/۶۶
	عضویت در تشکلهای مدنی	۰/۵۶
	مبارزه با بی‌سوادی و کم‌سوادی زنان روستایی	۰/۷۳
	حمایت درون گروهی	۰/۹۰
	دسترسی به منابع تحصیلی	۰/۶۰
	فضای مناسب اخلاق عمومی	۰/۵۸
	اهتمام به مهارت‌افزایی	۰/۷۴
	تقویت انسجام خانوادگی	۰/۴۹
تقویت زیرساخت فرهنگی و اهتمام به آموزش زنان	آموزش مداوم و مستمر	۰/۶۰
	عدم محدودیت‌های فرهنگی و نبود نظام مردسالاری	۰/۵۲

مآخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵.

در پایان، عوامل کاهش مطردویت اجتماعی زنان روستایی در شکل ۲ نشان داده شده است که بر اساس آن کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی با تقویت شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی، تقویت سرمایه روان‌شناختی و رضایتمندی اجتماعی، توانمندسازی اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی و تقویت زیرساخت فرهنگی و اهتمام به آموزش در منطقه مورد مطالعه ارتباط دارد.



شکل ۲- مدل نهایی پژوهش؛ عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی و درصد تبیین هر یک از آن‌ها.

بر اساس شکل ۵، در مورد تقویت شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی و بهبود طرد شدن اجتماعی زنان روستایی، به نظر فلوتن (۲۰۰۶)، یکی از ابعاد مهم طرد اجتماعی، فقر شبکه‌ای یا سرمایه اجتماعی ضعیف است که افراد را از دریافت حمایت‌های اجتماعی و کمک‌های غیررسمی

محروم می‌سازد و لذا، تقویت شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به ادغام اجتماعی، تعاون اجتماعی و تعاملات اجتماعی زنان روستایی مساعدت کند و از طرد شدگی آنان از اجتماع جلوگیری کند. به باور پاتنام (۲۰۰۰)، تقویت شبکه‌های اجتماعی زنان روستایی که ناشی از زندگی معاشرتی قوی است و به صورت خود انگیخته تقویت انجمن‌ها را تسهیل کرده و به ادغام اجتماعی که نکته مقابل طرد اجتماعی است منجر می‌شود. به باور فوکویاما (۱۹۸۸)، هر چقدر افراد در شبکه‌های اجتماعی بیش‌تر ادغام شوند، به همان مقدار ارتباطات و تعاملات آن‌ها با سایرین بیش‌تر شده و در نتیجه کم‌تر از جامعه کنده می‌شوند. افزون بر این، کارولین (۲۰۰۰)، بر این باور است که وجود شبکه‌های اجتماعی به صورت حایلی در مقابل فشارهای درونی عمل می‌کنند، به گونه‌ای که با فراهم آوردن حمایت‌های عاطفی، دوستی‌ها و فرصت‌هایی برای اعمال اجتماعی معنی‌دار در چارچوب سرمایه اجتماعی، اثر بیسیار مهم و مؤثر بر عزت نفس افراد و افزایش توان مقابله با مشکلات و افسردگی‌ها دارد و در نهایت، به احساس سلامت روانی و عدم طرد اجتماعی منجر می‌شود.

در مورد رابطه تقویت سرمایه روان‌شناختی و رضایت‌مندی اجتماعی با طرد اجتماعی زنان روستایی باید گفت به باور لوتانز (۲۰۰۶)، ریشه بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی همانند تنش، استیصال، اضطراب، افسردگی، یاس، ناامیدی، احساس تنهایی، احساس بی‌هنجاری و طرد اجتماعی به پایین بودن مقدار سرمایه روان‌شناختی بر می‌گردد که تقویت سرمایه روان‌شناختی می‌تواند از طرد اجتماعی ممانعت کند. به باور فروم (۲۰۰۰)، انسان در حالت طبیعی آزادی را با خود قرین دارد، ولی در به کارگیری این آزادی برای شناخت و تصور مفهوم خود کامیاب نبوده است. به نظر فروم از آن جایی که فرد همواره در ایفای نقش‌های مقرر، منافع، مصالح و خواسته‌های دیگران را در نظر دارد تبدیل به سازگاری بیگانه از خود گردیده و از جامعه جدا می‌شود.

پیرامون تقویت توانمندسازی اقتصاد و بهبود کیفیت زندگی اجتماعی با طرد شدن اجتماعی زنان روستایی باید گفت به زعم اب بایا (۲۰۱۰)، فقر درآمدی، محرومیت مادی، مسکن نامناسب و عدم امنیت غذایی در مراحل گوناگون زندگی بر برخی جنبه‌های طرد اجتماعی تاثیر می‌گذارد. مضاف بر این، به باور مک دیل و ریدلی (۱۹۷۰)، هر چه قدر سطح پایگاه اقتصادی افراد پایین‌تر، مقدار طرد اجتماعی در بین افراد بیش‌تر و هر چه قدر سطح پایگاه اقتصادی افراد بیش‌تر، احساس بیگانگی در افراد کم‌تر است.

در نهایت، در مورد تقویت زیرساخت فرهنگی و اهتمام به آموزش با بهبود طرد اجتماعی زنان روستایی باید گفت که به باور اسکوتلا و همکاران (۲۰۱۳)، آموزش و پرورش نقشی مهم در ادغام اجتماعی افراد در شبکه‌های اجتماعی و ممانعت از طرد اجتماعی آنان بازی می‌کند. به نظر مک دیل و ریدلی (۱۹۸۵)، پایین بودن پایگاه اجتماعی موجب تمایل کم‌تر برای درگیری و مشارکت

شده و زمینه را برای طرد اجتماعی آنان هموار می‌کند از این‌رو، توانمندسازی اجتماعی و ارتقای ظرفیت‌های شناختی (دانش، مهارت و نگرش) و دسترسی زنان روستایی به منابع حمایتی از نوع داده‌ای می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی مناسب، هم‌نوایی اجتماعی، خود اثربخشی اجتماعی و تقویت قیود اجتماعی و غیره منجر شده و به ادغام آنان در شبکه‌های اجتماعی بینجامد.

### بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این مقاله عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی را در شهرستان اردبیل مورد بحث و بررسی قرار داده است و همان‌گونه که نتایج پژوهش نشان داد از بین عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه تقویت امکانات و زیرساخت‌های شغلی زنان، تقویت سرمایه روان‌شناختی، عدم تبعیض جنسیتی و تقویت شبکه‌های پیوند بین گروهی جزو مهم‌ترین عوامل اولویت‌بندی شده است. افزون بر این، در این پژوهش برای شناخت عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه (۳۲) شاخص بکار گرفته شد و داده‌ها با استفاده از مدل تحلیل عاملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و با توجه به ملاک کیسِر، ۴ عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک برای عوامل طرد شدن اجتماعی زنان روستایی استخراج شد. پس از چرخش عاملی به روش وریماکس، متغیرهای مربوط به عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی در ۴ عامل طبقه‌بندی شدند. عامل نخست با عنوان «تقویت شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی» با مقدار ویژه (۱۲/۲۸) بیش از (۳۷/۲۲) درصد از کل واریانس را تبیین کرد. عامل دوم با عنوان «تقویت سرمایه روان‌شناختی و رضایت‌مندی اجتماعی» با مقدار ویژه (۴/۲) در مجموع (۱۲/۷۴) درصد از واریانس کل را تبیین کرد. عامل سوم با عنوان «توانمندسازی اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی» با مقدار ویژه (۳/۷۵) در مجموع (۱۱/۳۷) درصد از کل واریانس را تبیین کرد. عامل چهارم با عنوان «تقویت زیرساخت فرهنگی و اهتمام به آموزش زنان» با مقدار ویژه (۳/۲۲) در مجموع (۹/۷۸) درصد از کل واریانس را تبیین کرد. در این میان عامل «تقویت شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی» در بالاترین رده و عامل «تقویت زیرساخت فرهنگی و اهتمام به آموزش» در پایین‌ترین رده قرار گرفتند و مقدار واریانس و واریانس تجمعی تبیین شده به وسیله این چهار عامل (۷۱/۱۲) برآورد شد. این یافته با نتایج بدست آمده از پژوهش‌های فیروز آبادی و همکاران (۱۳۹۵)، اسمیت (۲۰۱۳)، و بهاقل (۲۰۱۳) هم‌خوانی دارد. در نهایت، با استناد به نتایج پژوهش باید گفت که در راستای بهبود ادغام اجتماعی و کاهش طرد شدن زنان روستایی منطقه مورد مطالعه توانمندسازی زنان روستایی در اولویت قرار گیرد. چون به نظر گاردنر (۲۰۱۱)، «ذهن اخلاقی از اصول اخلاقی نشأت می‌گیرد؛ رفتار و کنش افراد را بر اساس اصول معین استحکام می‌دهد و استمراری در رفتار را بر اساس اصولی اخلاقی سبب می‌شود» توصیه می‌شود کارگاه‌های



آموزشی برای رشد آگاهی مردم محلی درباره پیامدهای طرد در صورت تخطی از هنجارهای ریشه‌دار و تغییر تدریجی باورها و نگرش مردم به آن‌ها برگزار شود تا زمینه و بستر جذب آن‌ها در جامعه فراهم گردد و آن‌ها نیز همانند سایر گروه‌های جمعیتی در حوزه‌های گوناگون زندگی در اجتماع محلی مشارکت داشته باشند.

### **References**

- Abrams, D, Christian, J, & Gordon, D (2007). Multidisciplinary hand book of social exclusion research, John Wiley and Sons Ltd, The Atrium, Southern Gate Chichester, West Susses PO19 8SQ, England. /Book.
- Antony, G. (2012). Sociology, Translated by Hasan Chavoshian, Tehran, Publication of Ni. (Persian)
- Atkinson, A. B. & Hills, J. (1998). Exclusion, employment and opportunity CASE paper, Centre for Analysis of Social Exclusion, London School of Economics and Political Science, London, UK.
- Behaghel, L. (2013). Poverty and social exclusion in rural areas, Final Report, European Commission.
- Burchardt, T. Le Grand. J, & Piachand, D. (2002). Social exclusion in Britain: 227-244.
- Chappel, M. & Moon, J. (2008). "Corporate social responsibility(CSR) in Asia: A Seven country study of CSR", Business and Society, Vol44, No4, pp 415-441.
- Faraji Babolan, Sh. (2016). role of psychological capital on psychological well-being of rural women, Case Study: Thesis Presented for the Degree of Master of Mohaghegh Ardabili University. (Persian)
- Fariba, F. (2012). Survey of social exclusion situation of family householder women (Case Study: family householder women at list waiting of Rai and Tehran well-being organization), Thesis Presented For the Degree of Master of University of Teharn, Faulty of Social Faculty (Persian)
- Farzizadhe, Z. (2014). Social exclusion of single rural daughters, Journal of Rural Development, Vol2, No1, pp 123-146. (Persian)
- Firozabadi, S.A., & Farzizadhe, Z., & Daneshpour, Z. (2016). Survey of social exclusion condition of rural women, (Case Study: Village of Chamran From Savehe County), Journal of Survey Iranian Social problems, Vol7, No1, pp 229- 260. (Persian)
- Firozabadi, S.A., & Sadeghi, A (2012). social exclusion (a sociological approach to poverty), Tehran, Publication of Sociologist. . (Persian)
- Firozabadi, S.A., & Sadeghi, A. (2009). the study of social exclusion dimensions of householder rural women with relation to employment and residing, journal of woman on Development and Policy, Vol8, No2, pp 93- 114. (Persian)

- Fischer, A. M. (2008). Resolving the theoretical ambiguities of social exclusion with reference to polarization and conflict, London School of Economics and Political Science.
- Fitzprick, T. (2006). the theories of new welfare, translated by Hormoz Homaionpour, Tehran: High Institute of Social Supply research. (Persian)
- Flotten, T. (2006). Poverty and social exclusion: Two Side of the Same Coin?"
- Gardner, H. (2011). The unschooled mind: how children think and how schools should teach. New York: Basic Book.
- Ghafari, Gh., & Mohammad Bagher, T. (2006), Recognition components of social poverty, Journal of Welfare and Social Development, Vol5, No17, pp 12-56. (Persian)
- Ghafari, Gh.,& Omid, R. (2009). conceptual and theoretical circulation from poverty as a social exclusion, Journal of Welfare and Social Development, Vol4, No2, pp 36-67. (Persian)
- Gordon, D. Dominic. A, & Juli, T. (2007). Multidisciplinary handbook of social exclusion Research, John
- Heidari Sarban, V. (2017). Role of social capital on rural women empowerment in the Meshkinshar County, Journal of Geography and Regional Planning, Vol 5, No4, PP 15-35. (Persian)
- Hortulanus, R. Machiels, A. & Meeuwesen, L. (2006). Social isolation in modern society, Routledge Press. In Persian:
- Kabeer, N. (2000). Social exclusion, poverty and discrimination: towards an analytical framework, IDS bulletin, Vol31, No4, 12-63.
- Levitas, R. (2008). Let's hear it for Humpty: social exclusion, the third way and cultural capital', Cultural Trends 50, Vol 13, No 2, PP 41-50.
- Mergler, A. S. (2007). "Relationships between personal responsibility, emotional intelligence and self-esteem in adolescents and young adults", The Australia Educational and Developmental Psychologist, Vol 24, No1, PP 5-18.
- Narayan, D. (1999). Bonds and bridges: social capital and poverty, World Bank.
- Narayan, D. Patel, K. Schafft, S. Koch, & Rademacher, A. (2000). Voices of the Poor: Can Anyone Hear Us?", Oxford University Press for the World Bank.
- Nemati, A. Abbasgholizadhe, N., & Rahimi, Gh. (2012), knowledge and nutritional pattern of rural women in Ardabil Province, Journal of Health, Vol 2, No3, PP 33-39. (Persian)
- North, D. & Syrett, S (2012). Making the links: economic deprivation, neighborhood renewal and scales of governance", Regional Studies, Vol 42, No1, PP133-148.
- O'Brien, M. & Penna, S. (2010). Social exclusion in Europe: some conceptual issues", International Journal of Social Welfare, Vol 1, No7, PP 84-92.

- Pearson, R. (2004). *New fundamental in planning for local economic development: entrepreneurial communities*, Georgia Institute of Technology City and Regional Local Economic Development, New York: Free Press.
- Rayce, SL., Holstein, BE., & Kreiner., S. (2012). Aspects of alienation and symptom load among adolescents. *Journal of Public Health*, Vol19, No1, PP 79-84.
- Ritzer, G. (2009). *Sociological theory*, McGraw-Hill Seventh Edition.
- Rodgers, G. Charles, G. & Figueirdsdo ,B. (1995). *Social exclusion: rhetoric, reality, Responses* . International Labour organization.
- Sano, Y. (2008). The role of social capital in a common property resource system in coastal areas: A case study of community-based coastal resource management in Fiji, *SPC Traditional Marine Resource Management and Knowledge Information Bulletin*, 24-December 2008, 19-32.
- Sen, A. (2002). *Social exclusion: concept, application and scrutiny*”, social development Papers No (1).Manilla: Office of Environment and Social Development. Asian Development Bank.
- Shankar, A., Hamer, M., McMunn, A., & Steptoe, A. (2015). Social isolation and loneliness: relationships with cognitive function during 4 years of follow-up in the english longitudinal study of ageing. *Psychosomatic Medicine*, Vol75, No2, PP161-170
- Silver, H. (2008). *Social exclusion and social solidarity: Three paradigms in David Byrne. Social Exclusion; Critical Concept in Mobility Sociology (262-313). Vol I Social Exclusion – the History and Use of a Concept.*
- Smith, J. P. (2000). *Policy responses to social exclusion, towards inclusion?* Open University Press, Maidenhead. Philadelphia. /Article.
- Smith, M. (2013). *Social exclusion in rural areas: A review of recent research, Sociological Ruralis*, Vol 38, No2, PP 225-242.
- Tajmazinani, A., & Larijani, M. (2014). *survey of influencing factors on social exclusion of Old Year Men (Varamin City), Journal of Applied Sociology*, Vol26, N59, pp 57-74. (Persian)
- Todman, L. (2004). *Reflection on social exclusion: What is it...?*”, Department of Sociology and Social Research. University of Milan .
- Townsend, P. (1979). *Poverty in United Kingdom: A survey of household resources and standards of living*, Penguin Books Ltd, Middlesex, England.
- Vahid Yeghanhe, F. (2014). *survey of social exclusion situation of householder rural women (case study: householder rural women at waiting list of well-being organization of Tehran and rey Counties)*, A Thesis Presented for the Degree of Master of Tehran University. (Persian)
- Wiley & Sons Inc Yekkalam, N. (2012). *"Patterns and Risk Factors of Social Exclusion Among Older People in India"*, UMEA University Thesis, available at: [http://www.phmed.umu.se/digitalAssets/117/117473\\_negin-yekkalam.pdf](http://www.phmed.umu.se/digitalAssets/117/117473_negin-yekkalam.pdf)

